

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۰۷ - ۱۴۰۲/۰۵/۱۶

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱

جلسه: ۵۶

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله محمد و آله الطیبین الطاهرین.

این هست بله این کتاب قرن چهارم است شهید قرن دهم است،

س: از همین ها نقل می کند

ج: بله از همان است دیگر

س: بله از همان ها نقل می کند

ج: و این ها جزو استانداردهای علم شد تدریجاً یعنی تدریجاً حالا من یک توضیح می دهم بفرمایید شما تا من توضیح هم عرض کنم.

س: بله، شهید بسم الله الرحمن الرحیم

ج: البته این به هر حال بحث مقدماتی است خارج از بحث است این از جزو بحث های است بین پرانتز حالا، دیشب هم بین

پرانتز بود امشب هم بین پرانتز است،

س: ایشان هم نقل می کند از محدث

س: منابعش را نمی گوید ولی منبع اصلش همین هاست، ایشان بیشتر کفایه خطیب بغدادی

ج: بیشتر کفایه را نقل می کند

س: ایشان در آداب کتابت الثامن عشره آداب هجدهم، اذا صحح الكتاب بالمقابلہ فینبغی ان یضبط مواضع الحاجه و یعجم المعجم و یشکل المشکل و یضبط المشتبه و یتفقد مواضع التصحیف اما ما یفهم بلا نقت و شکل و لا ینبغی الاعتناء بنقده و شکله ج: البته این را ایشان نقل کرد بعد از بعضی ها نقل کرده که مطلقاً باید مشکول باشد، این هم بود که مطلقاً مثل نهج البلاغه، مثل بخاری که کلاً این کتاب قانون شیخ الرئیس دیدید این چاپی که این آقای دکتر در قم است کرد جلد اولش کامل مشکول است یعنی اعراب صرفی اش به اصطلاح جلد دوم نه، فقط آخر کلمه اعراب را ظاهر کرد، کل کتاب مشکول است قانون کلاً مشکول است این هست، ایشان هم نوشت اسم هم برد گفت و قال غیره به این که باید کلاً مشکول بشود،

س: ایشان آمد همان قبلی را نقل می کند خود حذف اشتباه ها نمی دانم چطوری باشد با

۴۲: ۱

ج: البته یک مطلب هست که باید منصفانه ما قبول بکنیم این کار عملاً در کتب ما کم شده

س: اصلاً شده؟

ج: خیلی کم، بله داریم خیلی کم، اما در کتب اهل سنت خیلی زیاد است اصلاً آدابی، این ها که حالا به اصطلاح

س:

۵: ۲

ج: بله نه این‌ها، نه ببین تطبیقش نه طرحش تطبیقش مثلاً فرض کنیم ما یک نسخه‌ای فرض کنیم من باب مثال از ذکری شهید اول داشته باشیم ممکن است یک قرائت روش باشد اما آنها مثلاً فرض کنید همین کتاب الرساله شافعی از سه صد و شصت و هفتاد یک قرائت دارد زیرش نوشته ثم سمع فلان این کتاب را از این بعد زیرش نوشته، یعنی این قدر قرائت پشت قرائت این‌ها در کتب اهل سنت خیلی زیاد شده، تصحیح پشت تصحیح زیاد شده همین کتابی که الآن عرض کردم خدمت‌تان المحدث الفاضل را نگاه بکنید آقا همین، این المحدث الفاضل این آقا به اصطلاح آمده در اولش چهارتا نسخه را به اصطلاح معرفی کرده آن وقت مثلاً نسخه دارالکتب ظاهریه که در شام است که الآن بردشتند اسمش را عوض کردند، سماع عبدالغنی بن عبدالواحد المقدسی الجزء الاول این سال پانصد شصت و شش دقت بکنید بعد باز سماع المقدسی لجزء الثالث باز، نه این سماع مقدسی، سماع ابی الفضل جعفر ابن علی همدانی من الامام ابی الطاهر السلفی این را سلفی بخوانید

س: سلفی نه، سلفی

ج: سلفی نه سلفی این هم یکی از بزرگان‌شان هم هست سلفی معرب کلمه سه لبی است فارسی کسی که لب بالایش شکافته بود می‌گفتند سه لبی است،

س: لب شکری

ج: مثل لب شکری، این ضبطش سلفی است به کسر سین، معرب کلمه سه لبی، آن با این سلفی که ما می‌گوییم ببینید این سنه پانصد و هفتاد و چهار، باز سماع محمد ابن قاسم موصلی سنه پانصد و هشتاد و یک، باز سماع صالح ابن علی سبطی حنبلی سنه پانصد و هشتاد و سه، خیلی عجیب است، این جور چیزی را ما، این که شماره و تصحیح بکند این عملاً می‌خواهم بگویم تطبیقاً این را مرحوم شهید نوشته حتی عملاً نداریم این هم یک نکته‌ای است ما در مباحث متن حدیث ما همیشه عرض کردیم مرحوم شیخ بحث رجالی کرد اما تطبیق نکرد آنی که تطبیق کرد علامه بود، نیامد در فقه یا در حدیث بگوید روی الصدوق فی الصحیح روی الکلینی فی الصحیح این جوری نگفت این اولین کسی که در شیعه کرد اخیر است خب دیر است دیگر سنه هشتصد تقریباً هفتصد،

س: اولینش مرحوم علامه است

ج: اولین علامه است

س: عجب،

ج: اولین کسی تطبیق کرد خوب دقت کنید، ما الآن بحث، من می‌خواستم این بحث را هم بگویم بعد حالا خوب شد شما آوردید یک چیزی ما در متن حدیث و حدیث شناسی صحبت می‌کنیم یک چیز می‌خواهیم تطبیق بکنیم با خارج در تطبیق‌مان مشکل داریم دقت کردید این حرف‌های که ایشان نوشته الآن در نسخ شیعه خیلی کم داریم که این طوری، و در نسخ اهل سنت ده‌ها هزار نسخه این جوری داریم، ده‌ها هزار نسخه،

س: چه کتاب مهم چه غیر مهم از ما اگر باشد فقط حدیث است

س: ولی آنها همه جور

ج: آنها همه جور بله مثلاً سماع صالح ابن علی سنه پانصد و هشتاد و سه، باز سماع عبدالواحد ابن سنه

س: حدیثی‌شان بیشتر است

ج: نه این که درایه الحدیث است حدیث نیستند بلکه غیر حدیثی هم سماع احمد ابن ابی بکر واسطی رجب پانصد و هشتاد و هفت، سماع اهل علم ششصد و سی و پنج سماع احمد، یعنی واقعاً آدم متحیر، تازه اینها یک نسخه تمام این سماع‌ها که خواندیم حالا این جا ورداشته شکل این‌ها را کشیده این محقق کتاب شکل سماع‌ها را ضبط کرده، بعد از باز سماع ابی العباس ششصد و هشتاد و سه، باز سماع یعنی یازده، دوازده، دیگر نمی‌خوانم، سیزده، چهارده پانزده ببینید روی یک نسخه این سماع‌های که فقط روی یک نسخه هست نسخه داروالکتاب ظاهریه که در دمشق است تا هشتصد و سی و هفت بعد تا آخرش بگویم بیست و شش، بیست و شش تا سماع را با تاریخ دارد باز در نسخه باز کُبرلی این جا باز یک سماع الفقیه ابی محمد نمی‌دانم زناق، مناوله الحافظ السلفی للقاضی ابی الحجاج یا ابی الحجاج الادبی پانصد و چهل و هفت این قبل از آنهاست این باز سماعات این نسخه دوم که با سماعات نسخه اول باز فرق می‌کند این ببینید ایشان همین جور پشت سرهم نه تا سماع از این دارد باز سماعات نسخه سوهاج باز چند، یعنی هر نسخه‌ای چندین سماع الآن این سوهاج را ببینم چندتا دارد

س: در بین شیعه که اصلاً غیر از حدیث همچون چیزی نبوده، آن هم که کم است

ج: خیلی کم است، خیلی کم است،

س: حدیث

ج: چرا در حدیثش هم کم است مضافاً به این که ما از مصادیق مثلاً سیزده تا سماع این است حالا خیلی عجیب این است که یک نسخه مشهد هم این جا نقل می‌کند،

س: بلکه مشهد هم گرفته آن زمان

ج: خیلی عجیب است محدث فاضل یک نسخه هم در مشهد آن وقت این اولاً سماعش ششصد و شانزده است باز سماع عبدالعظیم ابن عبدالقوی علی محمد ابن فلان، علی فلان باز سماع همین جور پشت سرهم از نسخه مشهد، ایشان پشت سرهم سماع‌ها را با تاریخ خیلی عجیب است انصافاً این الآن، ایشان از نسخه مشهد پانزده تا سماع، ایشان هم متحیر، که بگویم مشکل داریم کار مشکل داریم این است، اما این‌ها مشکل‌شان فقط این است حدیث یکی دو قرن اول‌شان خراب است خیلی شل است بعدش خیلی سفتش کرده ما به عکس دو قرن اول مان امامت است فوق سفت است متون نیست الهی است اگر خرابی شده بعد شده فرق ما با آنها آنها اولش چون رفتند رو حدیث و این نکاتی، یک دو سه قرن اول ضعیف اند ضعف دارند انصافاً بعد چرا آخر، ببینید شما الآن یک نسخه یک کتاب واحد شما تعجب می‌کنید دیگر، در این کتاب رساله شافعی هم چندین صفحه فقط سماعات است پشت سرهم، سماع فلان این‌ها را همه جمع کرده در همان نسخه رساله شافعی، و الی آخره شاید ده‌ها این که شما حالا تعلیق بر کلام حضرت عالی، این نکته فنی است یعنی این نکته را خوب دقت لذا الآن ما تقریباً می‌خواهیم یک کاری بکنیم احیاء تقریباً میت بشود دیگر، یحی الموتی، در حقیقت یک مرده‌ای را آدم می‌خواهد زنده بکند این خیلی کار سنگینی است دقت کردید یعنی این مشکل نیست که الآن مثلاً ما تهذیب زمان شیخ نداریم، کافی که هیچی وضعش بد است، حالا یک نسخه‌ای از فقیه هست ادعا می‌کنند قدیم است آن هم فکر می‌کنم مشکل دارد بصائر الدرجات یک نسخه‌ای پانصد و نود و سه دارد که به نظر من آن هم مشکل دارد،

س: حدس

۹:۱۶

ج: بله آن وقت خیلی محدود است بعدی‌هایش خیلی محدود است داریم دوتا سه تا اما این که در چهار نسخه حدود پنجاه شصت تا سماع در چهار نسخه از یک کتاب،

س: تقریباً شهید می‌گوید در زندگی خود نوشته شیخ کلینی را خوب دیدم ایشان شکایت کرد که چرا کتاب کافی و حدیث را استنساخ نمی‌کنید مقابله نمی‌کنید گلایه کرد، اما گفتیم نسخه مصحح نداریم رفت یک نسخه‌ای را آورد نسخه را به من داد و گفت و این هم نسخه خودش می‌گوید این خواب کلینی را می‌بینم

ج: یک شوخی معروف است گفت مگر خواب ببینی، به آن پادشاه گفت که خواب دیدم این قدر به من پول دادی، گفت مگر خواب ببینی، حالا هم

س: گفتند در خواب اشکال کردند ما نمی‌توانستیم جواب بدهیم گفت مگر خواب ببینی

ج: مگر خواب، حالا غرضم این که ایشان خواب دیده مشکل را بیشتر می‌کند به جای که حل مشکل بکند یعنی به قول حافظ شیرازی چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند، رفتند و واقعاً البته خود من احساس می‌کنم شاید در بعضی از مکتب‌ها، بعضی از مثلاً قبرستان‌ها فلان از این ساختمان‌های قدیمی و این‌ها شاید پیدا بشود و الا این خب برای شیعه خیلی مشکل است واقعاً مشکل است، البته عمده کارهای که شده بعد زیاد کار شده، خود این حلی‌ها خود ابن ادریس نسبت به خودش نسبت به نسخه خطی هم خوب با این که جوان بوده و دنبال خط اجتهاد بود و به اصطلاح، ابن طاووس خوب است ابن طاووس که فوق العاده اما شناختش کم است و الا فوق العاده است ابن طاووس خیلی

س: نسخه زیاد داشته

ج: نسخه هزار و پانصدتا که خودش ابانه دارد، ابانه‌اش به نظرم هزار و پانصدتا کتاب را معرفی کرده و بسیار نسخ نفیسی داشته یعنی سید ابن طاووس از نسخی نقل می‌کند که حتی تاریخ کتابش قبل از وفات شیخ طوسی است و در اختیار شیخ طوسی نبوده، شیخ طوسی اصلاً خبر نداشته از آنها این خیلی مهم است این مطلب، هست دارد مثلاً من کتاب الصیام لکتاب فلان تاریخ کتابت این سنه سه صد و هشتاد مثلاً اصلاً قبل از شیخ طوسی است مع ذلک شیخ از او اصلاً نقل نکرده، به هر حال ابن سکون در بین علمای حله، انصافاً زحمت کشیدند با امکانات،

س: هنوز هم به خط ابن سکون هست

ج: بله آقا؟

س: امالی صدوق به خط ابن سکون برایتان آوردند، چاپ شده بیاوریم خدمت‌تان

ج: بله، نه یک کتاب دیگری است چاپ کردند مال صدوق کمال الدین است چه است؟ پانصد و نود و سه است به نظرم

س: بله این امالی هم هست

ج: بله آن امالی را ندیدم اما فقیه قدیم‌ترین نسخه‌اش را چرا دیدم من؟ اما نه همه‌اش را مخصوصاً این قسمتی که مربوط به زیارت جامعه است دیدم زیارت جامعه را در آنجا دیدم که با همین نسخه مرحوم مفاتیح صاحب مفاتیح خیلی به نظرم اختلاف کمی داشت آن نسخه نفیس خوبی است الان تاریخ

۱۲:۹

در ذهنم نیست حالا بفرمایید تا بعد علی ای حال این مطالب را اجمالاً روی حدیث روی کتب روی میراث‌های علمی، روشن شد اگر ما می‌نشینیم این‌جا این قدر صحبت می‌کنیم بدون این‌که از باب کوتاهی‌های که شده و خیلی به زحمت باید این‌ها را و لذا در عرض کردیم اصحاب ما هم عملاً رو آوردند به آنچه که تلقی به قبول شده اصطلاحاً فرهنگ، این‌ها چون با این کار به دنبال حجت بودند اثبات حجیت بودند، این کار برای اثبات حجیت خیلی خوب است اما فرهنگ سازی نمی‌کند، اما این کاری که اصحاب ما کردند یعنی آنچه که اصحاب ما و لذا شهرت عملی یا شهرت فتوایی بین اصحاب ما خودش یک ارزش خاصی پیدا کرد البته شهرت عملی تا زمان ما، هنوز ارزشش محفوظ است اما شهرت فتوایی نه، خیلی ارزشی مطرح شد مرحوم علامه مطرح کرده، اما خیلی

س: به ندرت بعضی‌ها پذیرفتند

ج: بله به ندرت، گفت و حجیتها یلزم منه عدم الحجیه چون اگر دیدیم شهرت حجت است مشهور همین‌که حجت نیست فیلزم من حجیتها عدم حجیتها چون مشهور هم بر عدم حجیت شهرت فتوایی است علی ای حال این هم یکی از ادله آقایونی که در اصول نوشتند که

س: من ندیدم این را ولی خودم در بحث‌هایمان گفتم، گفتم بگردید به طلاب‌مان پیدا می‌کنید

ج: در تجرید الاصول نراقی دارد تجرید الاصول

س: از شهرت

ج: بله،

س: اگر حجیت باشد

ج: تجرید الاصول نراقی، نراقی پدر

س: نراقی آورده،

س: یعنی از وجودش عدمش

ج: یلزم من وجوده اگر شهرت حجت بود

س: مشهور عدم حجیت است دیگر فتواست

ج: بله مشهور این است که حجت نیست این را نراقی در تجرید الاصول دارد علی ای حال به نظرم جای دیگر هم دیدم یعنی به هر حال نقل می‌کنم که یزم من وجوده عدمه، علی ای به هر حال آقا بفرمایید چون شما فرمودید، نه این‌که انصافاً ببینید من عرض کردم این نکته فنی تاریخش هم چون ما خیلی معتقد هستیم اینها چون بنی امیه اهل علم نبودند اصلاً، اهل جنگ و شراب و از این کارها بودند،

س: جنگ هم نبوده

ج: نه چرا زیاد جنگ کردند، همین فتح اندلس زمان بنی امیه سال نود و نه، فتح قسمت‌های از آفریقا و اندلس که خیلی مهم بود زمان بنی امیه شد و قسمت‌های از خراسان و این‌ها هم البته کار خیلی اساسی که این‌ها کردند بنی امیه سرکوب خوارج چون

خوارج واقعاً خیلی چیز بودند خیلی هم خشین بودند می‌کشتند، و بنی امیه در مقابله با خوارج خیلی مایه گذاشتند یعنی مقابله با داعش به اصطلاح امروز ما مقابله با داعش مایه گذاشتند و خیلی هم کشتند، می‌گویند این زیاد را به اصطلاح حکومت بصره هم بهش داده بودند حکومت زیاد ابن ابی خبیث و کوفه،

س: شش ماه آنجا بود

ج: شش ماه آنجا آن وقت به جای خودش سمره ابن جندب را در بصره می‌گذاشت و این سمره خیلی هم باز در کشتن خوارج و داعشی‌ها همت داشت یک سفر آمد بعد از شش ماه گفت من هشت هزار نفر را سر بریدم

۱۵:۱۵

س: زیاد بهش گفت

ج: حالا این زیاد گفت احتمال نمی‌دهی مثلاً درش آدم بی‌گناه؟ گفت اشکال ندارد بی‌گناه بود رفت به بهشت مجرم هم بود رفت جهنم، اشکال ندارد غرض این خود محلی ابن ابی سفره که در تاریخ اسلام خیلی برای جنگ با خوارج هستند عمده کار او جنگ با خوارج است، خود حجاج در جنگ با خوارج است، جنگ با شیب خارجی را خود حجاج بنفسه شرکت کرد حتی یک روزی هم یک غلامی داشت لباس‌هایش را پوشاند گفت برو، شبیه گفت این اگر حجاج باشد خوب شد جنگ را تمامش می‌کنیم من حجاج را می‌کشم رفت و زدش و افتاد گفت نه، برگشت گفت این حجاج نبود گفت این به نظرم ایرانی بود چون وقتی افتاد گفت آخ این اگر عرب بود می‌گفت آه، از این که گفت آخ، این حجاج نبود، وقتی افتاد این هم مصلحت نیست، گفت اگر حجاج بود می‌گفت آه، این عرب نبود، بعدش البته راست است همین طور، غرضم این که تا این حد دقت می‌کنید اما بنی عباس که آمدند انصافاً یا حالا به خاطر آل بر مک بود چه بود؟ شرائط زمانی بود، خیلی اهل علم بودند، خیلی علم پیشرفت کرد، این کارها مال بیشتر مال عهد بنی عباس است مثلاً فرض کنید در همین تقریب التهذیب دارد که حضرت رضا در مسجد النبی فتوی داد بیست سال‌شان بود، خیلی فتوی دادن در مسجد مدینه اینها بیست سالگی را سن طلب حدیث تازه می‌دانستند نه فقیه شدن راجع به شافعی هم نوشته پانزده ساله فتوی می‌داد و یک در این کتاب الامامه و السیاسه ابن قتیبه آخرهایش یک چیز عجیبی که مثلاً بچه یازده ساله مثلاً فقه بلد است اصول بلد است کلام بلد است شعر عربی چیزی عجیب و غریبی یکی دفعه یکی از این استادهای دانشگاه بغداد این جا بود گفت آقا این دروغ است من باور نکردم امکان ندارد بچه یازده ساله، به هر حال پیشرفت علمی خیلی فوق العاده است اینها مال پیشرفت علمی است که بعد شد،

س: در مورد ائمه این‌ها ببین

۱۷:۲۱

دارند

ج: احتمالاً چرا نقشی که او دارد اصلاً ما خب توضیح دادیم اسناد اذا حدثتم فاسندوا این مال امام صادق است خب یا مثلاً خذ بما اشتهر و دع الشاذ فان المجمع علیه لاریب فیه، این مجمع علیه این جا احتمالاً حالا بعدش هم شاید باز اشاره بکنیم اینی که اصحاب ما فهمیدند شهرت روایی، شهرت روایی را معیار حجیت قرار دادند این در مقبوله عمر ابن حنظله است فرض کنید صد سال بعد مثلاً بخاری بر همین اساس بخاری را صحیح کردند چون آنها عقیده‌اش این شد که حدیث ولو سندش ثقات و اجلاء

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۰۷ - ۱۴۰۲/۰۵/۱۶

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۷

جلسه: ۵۶

باشند لیکن شاذ باشد فقط یک نفر از او نقل کرده این حجت نیست بحث تعارض نیست، علمای ما این حدیث را در تعارض آوردند مرجح گرفتند آنها جزو مقومات حجیت گرفتند، اصلاً مقومات حجیت،

س: آقای خویی هم خب این کار را کرد دیگر

ج: آقای خوی چون قبول نکرد مقبوله عمر ابن حنظله را

س:

۲۰: ۱۸

ج: بله دقت کردید مقبوله عمر ابن حنظله البته در مصباح الاصولش قبول کرد بعد برگشته در مقبوله‌ای عمر ابن حنظله ایشان قبول نکرده، علی ای حال کیف ماکان این که ائمه علیهم السلام اصولاً نقش اساسی، زیاد است شواهد یکی دوتا نیست زیاد است خیلی زیاد است، اصولاً ائمه به عنوان علم و این‌ها معروف بودند، نه به عنوان این که مثلاً فقط مثلاً امسیت کردی و اصبحت عربیاً به قول آن آقا اینی که مثلاً این طوری نه این نبوده به هر حال این را دقت بکنید آن وقت این را خیلی دقت‌ها زیاد شد علامت گذاشتن، خب همین علامت دایره که خیلی شبیه ما حتی مصاحیف اولیه دارم اعراب ندارند اصلاً، این که بیایم بعدها اعراب بگذاریم احتمالاً هم احتمال قوی دارد اول از مصحف شروع شده بعد به حدیث رسیده بعد به کتاب‌های دیگر، دایره بگذاریم و این که چند بار مقابله شده

س: حاشیه با قرمز بنویسیم این را هم آورده

ج: بله،

س: این را عذر می‌خواهم بعد کتاب منیة المرید آداب کتابت

س: بیست و پنج تا آداب شهید برای کتابت نقل می‌کند این یکی از آدایش همین است ینبغی ان یفصل بین کل کلامین او حدیثین بدائره و لا یصل الکتابه کلها الی طریقه واحده لما فیه

ج: البته این حالا تعجب است زمان شهید البته الآن یاد نمی‌آید اما بعدها عرض کردم از این دایره تبدیل شد به انتهاء وقتی یک کلام تمام می‌شد اما در حدیث انتهاء نمی‌نوشتیم اما کلام غیر حدیث را چرا، مثلاً انتهی کلام العلامه انتهی، و چند مقابله را هم گفته و رجحوا الدائره علی غیرها و عمل علیها غالب المحدثین

ج: این را اگر یادتان باشد شاید ضبط هم شده دیشب عرض کردم چرا دایره گذاشتند، مربع و مثلث نگذاشتند دیشب عرض کردم ببینید از همان قبل این در ذهن‌شان بود که چرا دایره را ترجیح دادند؟ چرا نیامدند مثلاً مربع بگذارند؟ حالا فرق نمی‌کند، من هم هنوز نفهمیدم نکته فنی‌اش چه است؟

س: نکته هنری چه بسا داشته باشد

ج: شاید داشته باشد

س: عرض کردم راجع به آن مناره

ج: چون الآن ببینید علامات راهنمایی اقسام دارد دیگر یک اقسام علامات راهنمایی دائره است توش مثلاً نوشته، یک قسمش مربع است داخل نوشته، یک قسمش هم مثلث است، مثلث بیشتر مال علامات خطر است، چون وقتی مثلث باشد راه نمی تواند برود یعنی یک نکته گفتند به این که چرا؟

س: راحت تر هم هست تا مربع و

ج: چرا، البته این مطلب هم هست این هم به ذهن من احتمال آمد، چون اصطلاحی دارند که شکل اولیه جسم همانی است که دائری باشد یعنی به اصطلاح کره باشد کره به شکل طبیعی است یک قطره باران که می آید در آسمان که هست به شکل کره است اصلاً بعد پخش می شود و الا شکل طبیعی هر جسمی کروی است جسم اول، مثل کره زمین، هر جسمی که بخواهد شکل بگیرد شکل طبیعی اش کروی است دارند بحث را دارند،

س: شیخ که در رسائل فرقی نکرده اصل در اشیاء اجسام این باشد،

ج: نه نه شیخ در،

س: هیچ کدامش نیست حالا این ها چه بسا

ج: نه نه درست است مطلب شما به هر حال وارد حالا آن بحث دقت،

س: شکل نظام هستی غیر کره زمین می گویند کل مجموعه هم کروی است

ج: البته کروی شلجمی، یک کم شلجمی مانند است،

س: نظام هستی، گردش خودش تبدیل به کره

ج: بله شلجمی مانند است به اصطلاح، خود قطره باران عکس هایش مشخصه کاملاً اصلاً خود ستارگان هم که شما می بینید وقتی عکس می گیرند نقطه های نور اند، این حالتی که ما می بینیم به حساب مثل چهارتا و پنج تا و این ها نیست و مربع و اینها نیست نه، علی ای حال دقت بفرمایید این را هم من دیشب عرض کردم واقعاً هم یکی کمی فکر کردم فکرم به جای نرسید چرا دائره را انتخاب کردند و شکل مربع و مثلث است، معلوم می شود شهیدثانی، البته طبیعتاً وقتی آمد چهار صد سال، هفتصدسال، هشتصد سال یک مطلب بحث شد این ها می آید دیگر، طبیعی است دیگر این ها امور طبیعی است بله،

س: شهید از سیوطی هم نقل می کند و اختار بعضهم اختال الدائرة حتی یقابل و کل کلام یفرق منه ینقص فی الدائرة التي نقطه و فی مقابله الثانیة ثانیة، و هكذا حرف ها را یکی، آخر این طوری که به شعر هم در آورده که می گوید و تنبغی الدائرة فصلاً، و ارتضی الخطی و ارتضی اغفالها الخطیب حتی نمی دانم چه یعنی به شعر هم در آورده که اول خالی باشد

ج: تا بعد از مقابله دائره بگذارند علامت،

س: بعضی ها این حرف های که امروزی ها می گویند مال سعد

ج: اما این مطلب در محدث فاصل نیامده، این می گویند مال گذشت زمان است، این مال گذشت زمان است یعنی بین این که محدث فاصل با ایشان نزدیک ششصد سال فاصله است گذشت زمان هی اضافه کرده، هی مطالب علمی را و لذا یک بحثی هم امشب می خواستم عرض کنم که الآن می شود بگوییم باز بحث های راجع به این قسمت اضافه بشود مخصوصاً در کتب حدیث، مقصوداً در مجامع حدیث، حالا شما بخوانید تا من عرض بکنم،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶ - ۲۰۲۳/۰۸/۰۷

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۹

جلسه: ۵۶

س: حتی این ریزه کاری های کتابتی مثلاً می گوید مال سر سطر، این جمله سَابَ النبی کافر، سَاب آخر سر نباشد النبی اول که این

۲۹: ۲۳

دارد کسی بخواند بگوید النبی کافر، این جوری نکنید یا عبدالله عبدش آن ور باشد، الله این ور باید بگوییم رضوان الله علیه، که به الله بخورد،

س: الآن که ویرایش رعایت می کنند این ها را نیم فاصله می زنند که در هنگام سطر بعد جدا نشود از همدیگر،

ج: اما الآن من خیلی کتاب ها را دارم می بینم فاصله دارد،

س: دقت نکردند، دقت نکردند،

ج: عبد این ور نوشته الله این ور،

س: مثلاً نوشته آیت الله الله اش این ور است، رضوان الله علیه،

ج: نه دیدم من زیاد دیدم اما خلاف قاعده نه پیش می آید من احتمال می دهم شاید در تهران چون مسلط به عربی نیستند خیلی مال این، فاصله اش این است این ها چون مسلط هستند به عربی مراعات کردند، آنها چون برایش فرق نمی کند دیگر آیت را این ور بنویسد آن ور بنویسد دیگر رضوان الله علیه اش را نمی خواهد دقت بکند علی ای حال چرا من دیدم الآن زیاد دیدم نه این که کم از این کتاب های که الآن دارد چاپ می شود مراعات این نکته سر سطر را نکردند به هر حال این ها جزو آداب بعدی است خبر یعنی حالا بخوان تا من عرض بکنم

س: دیگر از این نمونه ها دارد دیگر، عین همین آدرس داده،

س: بله نمونه خیلی دارد، ده دوازده، بیست تا از این آداب را از همین خطیب و نمی دانم فاصل

س: هم از اهل سنت باشد هم بعدها شیعه به این نکته هم توجه کردند

ج: چون نکته علمی شد دیگر

س: بله

ج: استاندارد علم شد، بله مثل این که الآن مثلاً همین نکته را وقتی می خواهد کتاب عربی چاپ کند در ایران هم بالاخره باید نکات عربی اش را در حد زیاد حالا بلد باشد یا بلد نباشد؟ بالاخره تا یک حدی

س: اگر بگوییم ویرایشی یعنی کلاً مال همه علوم است ولی این جا ادعا می کند این مال حدیث است

ج: معلوم نیست نه،

س: حالا این جا حدیث دیگر

ج: ایشان می گوید می گوید عبارت هم تمام شد،

س: کلامین عذر می خواهم

ج: می گوید کلامین حالا حدیثین،

س: کلامین او حدیثین

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۰۷ - ۱۴۰۲/۰۵/۱۶

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۰

جلسه: ۵۶

ج: او حدیثین نه اعم گرفتند،

س: صناعت

ج: مال صناعت کتابت است اصلاً

س: آدب الکتابه

ج: آداب الکتابه را مراعات بکنند این جهات را درش البته این طبیعی هم هست عرض کردم دیگر از قرن دوم علم رو به پیشرفت بوده وقتی پیشرفت افتاد رو غلطک بر اثر گذشت زمان حجم کار خیلی بزرگتر می شود امکانات خیلی بهتر می شود اطلاعات خیلی بهتر می شود نقل ها،

س: بعید است

۴۰: ۲۵

آمده باشد از آن بعد

ج: الآن نمی دانیم الآن این ها الآن در بین ویرگول و نقطه و این جور چیزها و پرانتز و اینها آمده که نبوده دقت می کنید در بین ما الآن این ها آمده اما این معنایش این است که چون به عنوان استاندارد تألیف و کتابت و املاء هست این را الآن مراعات بکنیم یعنی انصافاً با پیشرفت های که در زمان شده راجع به این قسمت ها مراعات بشود، حالا شما دیگر تمام کردید شما دیگر

س: یک نکته را هم شهید تصریح می کند دیگر می گوید که در زمان ما همت ها ضعیف لضعف الهمه و الفطور العظیمه فی الازمنه المتقارنه لزماننا عن مباشرة التصريح و الضبط خصوصاً لكتب الحديث و الاعتماد علی تصحيح الثقات السابقين مع الاجتهاد فی تحقیق الحق بحسب الامکان همان زمان هم این ضعف بوده

ج: این مسأله ای عرض کردم که ما از اول بحث این بحث متن روی این اساس که انصافاً ما الآن متعارف شده خیلی ها می گویند تساهل اصحاب در متن، تساهل نیست اما این جا افتاده، این که ایشان می گوید این هست و من عرض کردم تا آنجایی که ما می دانیم اولین کسی که ملفت شد آنچه که در کتاب تهذیب آمده با کافی و فقیه با حدیث واحد اختلاف دارند شهیدثانی است در درایه ایشان اولین نفری است که ملفت شده، یعنی خیلی عجیب است کسانی که قبل از ایشان بودند مقابله نکردند حدیث در کتاب فرض کن مثلاً تهذیب آمده یک اختلاف دارد با کافی نوشته،

س: حدیث زیاد دارد سرائر

ج: نه اصلاً ابن ادریس قائل به حجیت قبر نیست اصلاً ایشان قائل به حجیت خبر نیست، اگر کسی قائل به حجیت خبر بود متنش

س: معالم محفوف به قرینه

ج: معالم پسرش است

س: پسرش

ج: اولین کسی که این کار را اشاره کرد شهیدثانی همین رعایه دارد ایشان دارد که کتاب شیخ اسم می برد تهذیب شیخ و بعد این صاحب معالم روش کار کرده، در همین منتقى الجمان تطبیق، من همیشه عرض کردم یک دفعه طرح فکر است یک دفعه پیاده

کردن، صاحب معالم پیاده کرد در منتقى الجمان و کارش هم لطیف است انصافاً بین تهذیب و فرض کنید کافی و این‌ها مقابله می‌کند متن را مقابله می‌کند لیکن ایشان اولاً حسن را نوشته موثق را ندارد ضعیف را هم ندارد لذا آن مقداری که از احادیث که الآن ما داریم خب موثقات داریم، که روایات فتحیه داریم، واقفیه داریم الی ماشاءالله و بعد هم ضعیف که زیاد داریم، دقت می‌کنید ایشان عنوان ندارد، لذا منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان فقط صحیح و حسن نوشته و ای کاش ایشان کل این کار را انجام می‌داد چون تهذیب شیخ به خط شیخ که مال نسخه پدرش است پیش ایشان بوده صاحب معالم، این خیلی می‌توانست کمک بکند و لذا این که ایشان می‌گوید قصور الهمة، من به نظرم مثلاً ما می‌گوییم تسامح و تساهل به نظرم تساهل نباشد این یک سیره بین اصحاب شد، چرا؟ چون به هر حال فتوی بر این بود حالا می‌خواهد این متن این جور باشد نباشد، این تلقی فتوی خیلی مؤثر بود و این کار حالا شهیدثانی قرن دهم است اصلاً فرض کنیم ما در قرن چهارم کتاب کافی داریم قرن چهارم اواخرش مرحوم صدوق داریم اصلاً از این وقت به بعد ما مقابله نداریم مثلاً مرحوم شیخ طوسی در کتاب تهذیب در چند مورد می‌آید مقابله می‌کند یکش هم همین مسأله عدد مثلاً به حساب ماه رمضان ثلاث می‌گوید این در نسخه‌ای که مال فلان است وجود ندارد می‌خواهید بیاوردش، خیلی تصریح می‌کند از این کارها شیخ طوسی خیلی کم دارد چون شیخ رفت روی حجیت تبعدی، رفت روی آن حجیت این کاری بود که قداماء می‌کردند در همین مسأله عدد می‌گوید به نظرم روایت حذیفه ابن منصور می‌گوید در نسخه به خط پسرش است نیامده، در نسخه فلانی آمده، در همه نسخ کتاب این مقابله نسخ کتاب که من یک شب دیگر هم در همین جا خواندیم مرحوم نجاشی از قول استادش ابن نوح نقل می‌کند که پنج نسخه از کتب حسین ابن سعید است، و می‌گوید هر وقت از کتب حسین ابن سعید نقل می‌کنیم اسم آن نسخه را بنویسید، این معلوم شد چه می‌خواهم بگویم این کار دقیق را شیخ دیگر اغفال کرد البته شیخ دو نسخه از کتب حسین ابن سعید دارد تازه بین آن دوتا هم مقابله نکرده بین ما ابن نوح می‌گوید حتماً جدا باید بشود که این فینبغی به این که آنجا تعبیر نسخه را من می‌گویم یا نسخه یا چاپ آنجا دارد روایت، هر روایتی را باید جدا کرد پنج نسخه را ایشان نقل می‌کند یک نسخه هم که خیلی شاذ است به نظرم در اصحاب است من ندیدم آنهایی که نسخه نقل نکردند از آن نسخه از کتاب من هنوز ندیم خواندم هم خب اطلاعات ما احصائیات ما کامل نیست آمار ما خیلی ناقص است اما از این نسخه ایشان هم خودش می‌گوید و می‌گوید و هذا اسناد قریب، من هم از آن نسخه ندیدم اما ابن نوح آن نسخه را هم نقل می‌کند پنج تا نسخه را، این کاری بود که قداما داشتند بعد برداشته شد این بحث فهرستی ما رو همین اساس است،

س: که حتی صاحب وسائل الی ماشاءالله و مثله و نحوه،

۳۱:۰

کلامش فرق می‌کند و مثله

ج: اصلاً آقای بروجردی جامع الاحادیث را رو این جهت نوشتند اصلاً آقای بروجردی آن وقت به نظرم از آقای افتتاحی نشنیدم از آقای سیستانی شنیدم، به نظرم این طور می‌آید که خود مرحوم آقای بروجردی هم مقابله هم کرد فقط در کتب اربعه، یعنی اگر همین روایت در خصال صدوق است دیگر مقابله اختلاف نکرده، اختلافات را که خب خود این هم مشکل درست می‌کند دیگر بعد هم الآن ما می‌داریم نسخ خطی پیدا می‌شود چه در کشورهای سنی، چه در کشورهای خود ما و بعضی از این روایات را آدم مقابله با آن نسخه خطی می‌کند مشکل باز درست می‌کند، یعنی این یکبایی است که هنوز نمی‌شود بستش من می‌خواستم این را

بگویم این آداب الکتابه هم یک بابی است که نمی شود می خواستم من امشب هم یک اشاره ای بکنم، یعنی این اصولی که الآن مال همان است بابا،

س: مرحوم ابن ادریس که در سرائر فرمودند مثلاً در بحث حکم تبدیل الغلام آنجا یک بحثی کردند که این شخص کشته می شود آخر سر می گوید قال محمد ابن ادریس آورد شیخنا ابوجعفر یعنی طوسی رحمه الله فی الجزء الثالث من کتاب الاستبصار فی باب الحج فی

۱۵: ۳۲

خبراً عن علی ابن ابراهیم عن ابیه سند و بعد هم خبر را می آورد در آخر می فرماید که وجدناه لما عارضت کتابی بخط مصنف رحمه الله، مصنف

ج: خب البته ابن ادریس انصافش هم قائل به حجیت حدیث نیست مجموعه

۳۵: ۳۲

ایشان نفایسی دارد نمی شود انکار کرد

س: خود مصنف

ج: بله فهمیدم یعنی اطلاعات حدیثی ایشان در آن جا می گوید کتاب نوادر محمد ابن، بخط جده ابی جعفر این جا هم بخط مصنف یعنی ابی جعفر البته خب همین جا هم ببینید ایشان می گوید من عارضته بخط این باز علمی نیست چون وقتی شیخ به علی ابن ابراهیم شروع می کند عادتاً از کتاب کافی است این را باید با کافی هم مقابله می کرد البته شیخ بعض جاها از علی، چون شیخ می گوید ایضا بعد از این که ما روایت عن کلینی، بعد می گوید و بعض ما ارویه عن علی ابن بابویه بهذا الاسناد عن الكلینی می گوید و لیکن بعض روایات هم از خود علی ابن ابراهیم است مگر این که ایشان بگویند که و لیکن بعض از روایات هم از خود علی ابن ابراهیم است مگر این که ایشان بگویند که آیا نسخه خود علی ابن ابراهیم است یا نسخه کلینی است؟ اگر نسخه کلینی است با نسخه کلینی هم معارضش بشود عرضش بکند معارض یعنی عرض نه تعارض، عرض بر آن نسخه بکند دقت می کنید

س: مقابله

ج: مقابله کند، دقت کردید چه می خواهم بگویم این دقت حدیثی را از این جا می شود شناخت، حالا فرض کنید خط خود شیخ ابی جعفر باشد مادام از کلینی نقل کرده باید با آن هم مقابله کند، حالا یا نسخه نفیس دیگر از کافی دارند یا نسخه متعارفی دارد در زمانی که از کافی موجود بوده این مطلب را به اکتفاء به معارضه با خود یعنی مقابله با خود نسخه مرحوم شیخ نکند از نظر فنی باید این جوری حساب بکنیم مضافاً به این که ممکن است همین روایت با اسقاط علی ابن ابراهیم، فرض کنید حماد عن حریر از حریر آورده باشد در کتاب صدوق با آن هم باید یعنی دقت کردید مقابله کردن فنی این است که آن حدیث چه از اولش چه از آخرش مشترک داشته باشد آن را به اصطلاح چیز بکنند یعنی مصادرش را بنویسد بگوید عارضت بخط المصنف نهایتش آن نسخه خطی که خودش داشته این نسخه ای که متعارف بوده در بازار، از کتاب استبصار با آن نسخه ای که به خطش بوده مطابق است این نهایتش این است از کتاب استبصار با آن نسخه ای که به خطش بوده مطابق است این نهایتش این است نه این که می آید حدیث را

روشن بکند، این دوتا با همدیگر خیلی فرق می‌کند فو قش می‌گوید مثلاً استبصار چایی درش این طور آمده من هم یک نسخه از استبصار دارم که خیلی نفیس است در آن هم همین آمده این نسخه چایی را درست می‌کند اما اگر می‌خواهد حدیث را کار بکند این بحث‌های که ما داریم خون دل می‌خوریم رو متن حدیث باید با مصدر دیگر مخصوصاً وقتی علی ابن ابراهیم بگوید عادتاً کافی است عادتاً کافی است.

س: الآن کافی نیست

ج: پس باید می‌گفت که این فقط از نسخه خود شیخ است، چون این را من توضیحش را عرض کردم الآن می‌خواهیم ایشان بخواند، اول مشیخه فقیه و اول مشیخه تهذیب و استبصار در هردوشان اول می‌گوید ماکان فیه عن الکلینی بهذا الاسناد می‌گوید و بعض ما کان فیه عن علی ابن ابراهیم بهذا الاسناد عن کلینی عنه، بعد می‌گوید و بعضی‌هایش از کتاب خود علی ابن ابراهیم است یعنی خود شیخ طوسی، در دوتا مشیخه یکی است دیگر مشیخه تهذیب و استبصار تصریح می‌کند که دو جور از علی ابن ابراهیم نقل می‌کند از کافی و هو الاکثر که الآن هم فرض کن در جامع الاحادیث گاهی هم از علی ابن ابراهیم نقل کرده در کافی نیست این‌ها را باید مرحوم ابن ادریس توضیح می‌داد یعنی توضیحاتی است که یعنی به عبارت دیگر آن کلامش ایشان به درد نسخه می‌خورد که این نسخه‌ای که الآن در بازار موجود است با آن نسخه‌ای که من به خط شیخ دارم مطابق است دقت اما روی متن حدیث بخواهد کار بکند نه، دیگر باید کافی را نگاه بکند، محاسن را نگاه بکند، جای دیگر آورده باشد حالا آن حدیث را کس دیگر نیاورده؟

س: مرحوم کلینی حدیث را آورده منتهی خیلی مفصل است این‌جا در شیخ دو سه خط است آنجا هفت، هشت ده خط است

ج: خب شاید تقطیع کرده

س: بله

ج: نه تقطیع کرده نه این که مشکل، من فکر کردم اصلاً نیاورده کلینی،

س: اصلاً این متن این شکلی است

ج: چون اکثری که ما مراجعه کردم که از علی ابن ابراهیم از کافی است عیناً از کافی است یعنی اول، گاهی شده از علی ابن ابراهیم در کافی نیست کلاً، این هست راست است قبول است،

س: یک صفحه بیشتر است در این کافی چاپ شده

ج: اشکال ندارد تقطیع متعارف بوده خود کلینی گاهی تقطیع می‌کند، یک حدیثی

س: یک صفحه بیشتر است که چه است؟ در کافی،

س: یک صفحه بیشتر است در کافی ولی آن که در استبصار هست که ابن ادریس هم نقل کرده سه چهار صفحه است

ج: نه این تقطیع مشکل ندارد حالا چون بحث تقطیع را جداگانه عرض خواهم کرد در آنجا،

س: این قدرش

ج: تا همین حدیث عمرو ابن حنظله را کلینی در باب علم آورده کامل حدود یک صفحه و خرده‌ای است همین حدیث را در باب قضاوت آورده فقط صدرش را نقل کرده به آن بخش تعارض نه، همین فانظر الی رجل منکم فانی جعلت حاکماً تا این مقدار

چون این مربوط به قضاوت بوده خود کلینی هم تقطیع دارد یعنی این طور نیست که حالا یک کاری باشد شیخ کرده باشد بعد اضافه بر او ببینید کس دیگر هم دارد مثلاً صدوق دارد محاسن برقی دارد کس دیگر داشته باشد آن هم باز یعنی ایشان اگر میخواست وارد بحث حدیث بشود و حدیث شناسی که ما هم الآن کم داریم انصافاً این باید این جوری بررسی بشود این کار به درد نسخه می خورد به درد حدیث نمی خورد ما آمدیم گاهی توضیح می دهیم متن یعنی چه؟ اوضاع چه است؟ لذا من فکر می کردم اگر این مجموعه را اسمش را می گذاشیم مباحث پیرامون متن حدیث نه نقد متن حدیث، نقد را برداریم این کلاً یک مجموعه ای است که بر می گردد به این، خوب حالا این قسمت را هم شما گفتید، من هم می خواستم یک توضیحی را عرض بکنم دیگر ببینید ما عده ای از همین علوم قدیمی یعنی قبلی ما، اینها یک توسعه پیدا کرد، مثلاً حدیثی که در کافی آمده معین است، مقدار بعد احادیث در همان ابواب در فقیه آمده که در کافی نیست مقدار در تهذیب آمده که در هردو نیست حتی با مصدر واحد از کتاب سکونی گاهی اوقات کلینی نقل نمی کند فقیه نقل می کند باز شیخ طوسی نقل می کند باز شیخ طوسی نقل نمی کند غرض این که ما در این قسمت یعنی اگر خوب دقت بکنید می توانیم یک پیشرفت های انجام بدهیم یک مصادر جدیدی را پیدا بکنیم، روایات جدیدی را الآن کتب زیدیه بررسی بشود روایات جدیدی نسبت به شیعه اضافه می شود الآن فرض کنید مثال زدیم مثلاً آن روز همین مسند زید را که الآن ما شاید بیست و بیست و پنج تا یا سی تا حدیثش در کتب اربعه آمده، همه حدیث کتاب مسند زید را بخواهیم در جامع الاحادیث حدود نهصد و خرده ای حدیث اضافه می شود، ما خیلی راه داریم برای الحاق، خیلی از رجال را افراد که نوشتند بعد هی توسعه داده شده هی زیاد، خود مرحوم شیخ نقل کرده و دیگران که ابن عقده رجال الصادقش چهار هزار نفر است یعنی چه؟ یعنی چهار هزار تا هر کدام هم که آورده یک حدیث آورده، چهار هزار حدیث دیده که عن فلان عن جعفر ابن محمد ورد داشته آورده، خدا رحمت کند آقای ابطحی حاج شیخ محمدعلی به من می گفت من استخراج کردم هشت هزار نفر هستند یعنی روایاتی دقت می کنید این می خواهم بگویم که این توسعه هست یعنی متعارف بوده توسعه ای به اصطلاح همین کتاب به اصطلاح رجال متوسط مرحوم میرزا محمد استرآبادی که همین که جامع الروات جامع الروات در اصل کتابش مال کتاب وسیط به اصطلاح میرزا محمد استرآبادی این کتاب افرادی را اسم بردند که غالباً در کتب آمده بعد افرادی هم هستند که فرض کنید کلینی در کافی اش نقل کرده فقط روایتش، اینها را در جامع الروات اضافه کرده جامع الروات یعنی جامع الروات فهرست منتجب الدین اضافه کرده اصل کتاب مال و لذا در جامع الروات این توضیحش چون با رمز است حالا نمی دانم این آقای رفیق ما هم چاپ کرده این توضیحات را داده رمزش میم، هی، بین دوتا پراکنش کوچک مه یعنی میرزا محمد اضافاتی که کرده یک مقدار از کتاب فهرست منتجب الدین است آن هم رمز یعنی جب یعنی منتجب الدین است یک مقدار هم از کتاب نقد الرجال تفریسی است آن هم گذاشته سین علامت سین زده، این هم مال نقد الرجال تفریسی، یک مقدارش را هم خودش استخراج کرده دیگر آنها علامت ندارد این مقدارش هم و این استخراج هم به این صورت است کافی را نگاه کرده اسم این آقا هست، در این مصادر اسمش نیامده ورد داشته اضافه کرده که آقای خویی مثلاً هفده هزار عنوان پیدا، البته آقای خویی مشکل دیگر هم دارد تکرار را هم دارد آن مکرراتش حذف بشود خیلی کمتر است این به قول خودش هفده هزار نفر را اسم بردند آن مکررات را هم و این خودش همین جور که ایشان گفت دایره بگذاریم مثلاً مربع نگذارند این دایره داخلش نقطه بگذارید، اینها یک اصول فنی جمع آوری و تجمیع است دقت کنید این مباحثی را که اصولاً دیشب بنا بود مقدماً صحبت کنیم امروز امشب دیگر شما ما را خارج کردید، اینها عادتاً در صدر اول

نبوده، چون اصلاً کتابت نبوده، به نحو سماع بوده بعدها هم که علوم حدیث دیگر رسماً وارد می شود باز هم سماع بوده یعنی مثل ما نبوده کتاب کافی را از بازار بخریم نگاه نکنیم این حرف مشتبه بشود احتمال درش باشد تصحیف، تحریف اصولاً این نبود این مشکل ما مشکل این بعد از این است که کتاب پخش شده و الا مثل قرآن قرآن اعراب نداشت، اشتباه هم نمی شد چرا؟ چون همه می خواندند قرائت نماز می خواندند حفظ می کردند الی ماشاءالله اما این را چون اصلاً مثل خود بخاری هم می گوید اگر از کتاب نقل بکنند قبول نمی کند باید سماع باشد تا سماع نباشد قبول نمی کند

س: چون احتمال اشتباه هست

ج: چون احتمال اشتباه هست، الآن هم این مسأله اصولاً حتی در موارد دیگر فقه هم تأثیرگذار شده الآن ما در باب عقود ما لفظ را معتبر می دانیم کتابت را خیلی حساب نمی کنیم در غرب الآن کتابت را بیشتر از لفظ حساب می کنند نوشته او باشد و آن ترتیب دقت فرمودید این که الآن بحث آمده مثلاً آن عبارتی که خوانده بود که عجم الکتاب نور این مال اوزاعی است که در قرن دوم است به نظرم صد و بیست و شش وفات اوزاعی باشد فقیه هشام به اصطلاح به نظرم این طور می آید اگر اشتباه نکرده باشم ببینید این ها در حقیقت بعد از انتشار علم است زمانی شهیدثانی دیگر خیلی این علوم انتشار پیدا کرده بود دقت می کنید،

س: صد و پنجا و هفت

ج: صد و پنجا و هفت، خب همین از وقت رشد علم است یعنی از زمانی بعد از بنی عباس صد و سی و دو لذا هم با خودم فکر می کردم صد و بیست و شش نمی خورد این زمانی بنی،

س:

۱۷: ۴۳

ج: بله غرض این که راجع به این مطلب، این بر اثر گذشت زمان این را می خواهم بگویم بر اثر گذشت زمان این بحث ها هم اضافه شد در متن حدیث بعد در اثر گذشت زمان مسأله دیگری که پیش آمد مسأله تقطیع حدیث بود که چرا؟ چون تصنیف کتب شد مصنفات شد یک قسمت حدیث مربوط به این باب بود یک قسمتش باب دیگری بود، تقطیع یکی از نکاتش این بود همین حدیث انت منی بمنزله هارون من موسی بهترین طریقی که صحیح هم است طروق فراوان دارد مال سعد ابن وقاص است که از او خواستند برای که مثلاً به علی ابن ابی طالب نمی دانم سبی، یعنی چیزی بکنند، این گفت که من سه تا مطلب هست، آن وقت در باب انت منی، یک قسمت همان کلام سعد است، فرار، این در قسمت دیگرش است یعنی سه تا منقبت امیرالمؤمنین را ایشان پشت سرهم آورده بعد علمایشان جدا کردند دقت کردید تقطیع انشاءالله عرض خواهیم کرد و لذا این تقطیع شاید در کتب ما نباشد حالا می خواهم، نمی خواستم حالا قبل از وقت صحبت بکنم این یک تقطیع خاصی است حالا من چون بعد باید،

س: تقطیع چون قرار است

ج: جداگانه، حالا اشاره ای کردیم اقلأ

۳۵: ۴۴

علی البحث است

س: این نوع تقطیع می فرمایید در کلمات

ج: سنی‌ها زیاد است، هست چرا هست همین که الآن دارد می‌گوید شیخ طوسی یک مقدارش را آورده
س: بله

ج: دقت کردید این نوع، اگر چیز باشد، چون در ما بیشتر مصادر بوده از مصدر آن مقدار حاجت را نقل کرده این حالا گفتید شما در را موقع باز کردی، من شبهه دارم که این تقطیع باشد، مثلاً یک صفحه کتاب پنج تا حکم دارد من یک حکمش را برداشتم تقطیع نکردم کتاب به حال کتابی خودش است این حدیث واحدی نبوده، سئل محمد ابن مسلم، سئل زراره این در کتاب حریر این طور بوده من برداشتم مال محمد ابن مسلم‌اش را آوردم یک کسی محمد ابن مسلم از زراره را آورده این تقطیع، دقت فرمودید یعنی به عبارت اخری کتاب بوده اگر که این، فرقی بین فهرست و رجال هم همین است اگر کتابی حساب بکنیم این از کتاب الحج دو فقره‌اش را آورده، این شاید چون حدیث واحدی نبوده اصلاً، قال، سئلت ابالحسن عن باب حج که این طور فرمود، ابالحسن اشتباه کردم، ابا جعفر مثلاً و سئلت اباعبدالله ببینید کلمات احکام مختلف است در کتاب واحد است، آقای بروجردی تمام این‌ها را تقطیع حساب کرده این نکته فنی این است می‌خواهم بگویم در شناخت متن، آیا این همان بحث تقطیعی است که اهل سنت دارند؟ نه، شما از این قسمت کتاب نقل می‌کند آن آقا از یک قسمت دیگر نقل می‌کند شما کتاب را تقطیع نکردید خوب دقت کنید این حالا من انشاءالله بعد شواهدش را هم عرض می‌کنم این اگر بشود غرض این یکی از جهاتی که آقای بروجردی جامع الاحادیث نوشتند این تقطیع‌هایی که شده ما یک بحثی داریم که تقطیع اهل سنت تقطیع است واقعاً دقت می‌کنید، مثلاً همین حدیثی به اصطلاح لوکان علی اییک، این یک زنی بوده غثعمیه بوده نمی‌دانم چه بوده؟ آمده پیش پیغمبر بچه‌اش هم بوده از یک پیغمبر، یک ساله هم بوده یک‌جا دارد طفل، این‌جا دارد یک ساله، ألهذا حج؟ قال نعم و لک اجر، بعد مثلاً سؤال کرده که پدر من ادرکنه الفریضه الحج و هو شیخ کبیر نمی‌تواند بعد پیغمبر، أ رأیت لوکان علی اییک دین، لکنت قاضیه قالت نعم، قال فی دین الله احق ان یقضی بعد آمده در منی پیغمبر سوار شتر بودند این فضل ابن عباس برادر عبدالله با ایشان بود آن زن هم مثلاً یک جوری بود این فضل جزء زیباترین جوان قریش حساب می‌شد فضل ابن عباس این‌ها بهم نگاه می‌کردند پیغمبر سر فضل را برگرداندند فرمودند دیدم این به آن نگاه می‌کند با دست خودشان کله فضل را برگرداند که نگاه نکند،

س: نهی از منکر عملی

ج: دقت فرمودید ببینید این یک حدیث واحد است یک قصه واحد است الآن اگر شما بخواهید این را پیدا کنید این قدر مشکل است خود بخاری همین را ورداشته یک تکه‌اش را آنجا آورده کنت قاضیه را یک‌جا آورده، ألهذا حج را یک‌جا دقت کردید این در حقیقت تقطیع است این کتاب که نبوده یک قصه‌ای این قصه فضل ابن عباس را هم نقل کردند این دنباله همان است اصلاً این اصلاً دنباله همان قصه است آن مرأه غثعمیه شروع کرد به فضل نگاه کردن، فضل هم به او، بعد فرمودند که شابان نمی‌دانم یتوقع مثلاً شیطان بینهما حالا متنش در ذهنم نیست که این سر ابن عباس را با دست خودشان برگرداندند فضل ابن عباس را، که نگاه نکند الآن در بخاری شاید هفت، هشت ده تا مورد این قصه را آورده یک تکه‌اش آنجا آورده، یک تکه‌اش آنجا، این را ما انشاءالله عرض خواهیم کرد تقطیع به این صدق می‌کند، اما کاری که علمای ما با کتاب الحج معاویه ابن عمار کردند تقطیع معلوم نیست دقت کردید این حالا می‌خواهم اشاره فرمودید،

س: دیگر از حجیتش کاسته نمی‌شود

ج: نه تأثیرگذار نیست اصلاً آقای بروجردی این‌ها را تقطیع گرفته روشن شد،

س: حجیت که در اجهال چیز

ج: نه یعنی مثلاً تأثیر بکند که بگوییم این چون ناقص شده نه اصلاً احکام متعدد بوده،

س:

۴۸: ۴۰

ج: بله این، مثلاً آقای بروجردی ورداشتند پشت سرهم آوردند به عنوان این که صاحب وسائل تقطیع کرده نه این تقطیع نیست درست است در یک جای تهذیب مثلاً سه تا حکم آمده، همین مثلاً همین روایت عمرو ابن حنظله این تقطیع است واقعاً،

س: خب این هم

ج: چون عمرو ابن حنظله می‌گوید به حضرت گفتم حضرت گفت برگردیم به یک فقیه ببینیم، گفتند دوتا فقیه مختلف اند، گفت ينظر الى افقههما و اورعهما، گفتند اختلاف دارند، گفت آن کتابی که، از مصدری که نقل نکردند بعد مرجحات خبر را می‌آورد این ظاهراً یک خبر است،

س: کلهش یک خبر است

س: آیا احتمال نمی‌دهید که این وقتی همین روایت را پشت سرهم دارد می‌گوید در آن بالایی که گفته سئل رجل مثلاً نکته‌ای بوده که در آن سئل دوم به آن اعتماد کرده باشد

ج: شاید احتمال دارد

س: پس تقطیع می‌شود دیگر

ج: نه می‌دانم تقطیع نه در کتاب نه در کتاب رسم نبوده سؤال جداگانه‌ای است، حکم جداگانه‌ای آمده، اصلاً دوتا حدیث مختلف، دوتا حکم مختلف اند،

س: این کتاب کنارهم

ج: این کتاب گذاشته در کتابش نوشته،

س: به گونه‌ای ذکر شده که نکات آنجا در این جا نیست

ج: بعدی است نه این تقطیع نیست، آن یک حکم است این یک حکم است سئلته عن کذا، و سئلته و قلت له کذا این سؤالات مختلف است این را خوب دقت کنید این مسأله‌ای است که باید روش کار بشود، دقت کردید،

س: احادیث حج قرینه است اما این مسائل دیگر

ج: خب لذا هم ما همین را می‌خواهیم بگوییم می‌خواهیم بگوییم نگاه بکنید، من لذا نمی‌خواهم بگویم همه‌جا تقطیع نیست همه روایات عمرو ابن حنظله تقطیع است لیکن تقطیع را خود کلینی انجام داده در یک باب، چون روایات عمرو ابن حنظله سه بخش است، یکی به اصطلاح ما ولایت فقیه، یکی تعارض فقیه یکی تعارض احادیث سه بخش است کلینی در کتاب علم هر سه بخشش را آورده، در کتاب قضاء باز بخش اول را آورده، این تقطیع است همین روایتی که مال سعد ابن ابی وقاص است تقطیع است، همین روایت مرأه غثعمیه تقطیع است انصافاً تقطیع است نمی‌شود انکار کرد دقت کردید، اما اگر مطلبی را از کتاب الحج

نسخه ابن ابی عمیر نقل کرده این تقطیع نیست دیگر من می‌خواهم بگویم این را ما خیال نکنیم که ما آمدم تقطیعات و سائل را برداشتیم نه این اصلاً تقطیع نیست این کلاً از باب تقطیع، حالا من بعد توضیحاتش را عرض می‌کنم چون معلوم شد نکات دارد،
س: ربّ فعل

ج: این چون من اول که گفتم خیال کردید مثلاً مبالغه است که این مثلاً در بحث تقطیع این که عرض کردم جداگانه باید متعرض بشویم نکته‌اش این است پس بنابراین دقت این مباحث اصولاً با ما می‌خورد یعنی مایی که می‌بینیم کتاب کافی را می‌خریم اما کسی که سماع داشته کتاب کافی و تاب سماع نداشته دیگر مشکل مشکل مطرح نبوده از استاد شنیده لذا این مباحث طبیعتاً از بعد از قرن دوم است لذا این‌ها را ما دیشب عرض کردیم نکات ویراستاری است ربطی به خود متن حدیث ندارد اما تأثیرگذار هست مثلاً دیشب دیدید دیگر، حالا می‌خواستم امشب چون دیگر بنا شد در آن متن نخوانیم در حدیث مدرج یک حدیثی است در کتاب فقیه آورده فقط، حدود شش هفت سطره شش سطر است مثلاً این آقای چیز را بیاور می‌خواهی شما این کتاب فقیه چاپ آقای غفاری را بیاور نوشته لم نعثر علی هذا الروایة بهذا النص، به نصش صاحب وسائل هم به عنوان روایت واحده برداشته آورده و ما عرض کردیم حدود چهارتا روایت است صدوق متن‌ها را پهلوی هم گذاشته سندها را حذف کرده لذا این اگر مثلاً علامت می‌گذاشتند خب این اشتباه برداشته می‌شد دیگر لم نعثر دارد، لم نعثر، کلمه لم نعثر در حاشیه آقای غفاری، این، ایشان هم گیر کرده و ما در تحقیقی که کردیم گفتیم آقا این حدیث سندش این است این حدیث چون این را در این کتاب چیز آورد، در کتاب معرفه انواع الحدیث که سند را عوض می‌کند گاهی با ذکر اختلاف سند متن نیست مثالی که ایشان زده من الآن در شیعه مثلش را ندیدم اما این تقطیع این کار را مدرج را صاحب وسائل کرد نه صدوق فقط یک بحث می‌ماند ما در کتب زیاد می‌بینیم که مثلاً صدوق چهارتا روایت را پشت سرهم آورده هر کدام یک سند دارد، صاحب وسائل هم یک روایتش را

۵۳:۰

داده مشکل سر صاحب، خیلی خوب چرا جدا نکرده؟ یک و کذاک مثلاً علامه در کتاب تذکره از کلمات اهل سنت زیاد آورده، مرحوم شیخ صاحب جواهر خیلی از این مفتاح الکرامه نقل می‌کند جوری که اسم می‌برد ما احتمال دادیم شاید چون این روایات مشهور بوده همین که آورده اهل علم می‌فهمیدند این چهارتا روایت است بعدها چون ما دور افتادیم یا مثلاً علامه اگر نقل می‌کند می‌داند اگر فقیه کتابش را نگاه بکند می‌داند این کتاب از کتاب مثلاً شرح کبیر مال پسر برادر ابن قدامه گرفته، ابن قدامه یک پسر برادر، مثل همین خود ابن قدامه دقت می‌کنید من احتمال می‌دهم صدوق این کار را کرده صدوق در حقیقت مدرجش نکرده مدرج برداشت بعدی‌هاست نه کار خود صدوق، صدوق می‌دانست این وقتی می‌آورد کسی که اهل حدیث باشد می‌داند این چهارتا حدیث است، بیاورد این،

س: این دوتا این‌جا ایشان تعلیقه این طور دارد یکی در آن بحثی

ج: نه حج، در حج،

س: تسعه عمر

ج: نه حج، حج حج در فضیلت حج، دیدم نعثر دارد، راست هم می‌گوید ایشان این ببینید من لم، تا وقتی من مثال این آقای، ببینید ایشان مثلاً در همین مثالی که در باب این مدرجی که به اصطلاح الآن به این صورت است

س: قضیه ابن السلام

ج: بله از این کتاب مقدمه ابن السلام،

س: باب فضائل حج گفتید

ج: تقریباً همان جاست

س: یکی است آنجا ایشان این جا می بینم که ایشان می گوید لم نعثر رواية تدل عليه در بحث تعداد عمره های پیامبر است و اعتبر عليه السلام تسعه عمر، و لم حج حجة الوداع و الا و قضی حج،

ج: شما این لم نعثر كجاست؟ مثلاً این جا ببینید یک روایت آورده که این طور است روایت سعید ابن ابی مریم مصری به یک سند از زهری عن انس ان رسول الله قال لاتباغض و لا تحاسد و لاتدابر و تنافسوا الى آخر فقوله لاتنافسوا ادرجه ابن ابی مریم من متن حدیث آخر خود آن این کار را کرده رواه مالک عن ابی الزناد عن الاعرج عن ابی هريره اصلاً سندش هم فرق می کند در آن جا دارد فيه لا تحسسوا و لاتجسسوا و لاتنافسوا و لاتحاسدوا این تنافسوا را از یک حدیث دیگر گرفته به متن

س: انواع ادراج حدیث در حدیث

ج: انواع ادراج، دقت، من می خواستم بگویم این ما مثلش الآن داریم اما مال ما ادراج نیست یعنی می خواستم این را بگویم، مال ما صاحب وسائل مدرج قرارش داده در حقیقت مدرج نیست آن وقت بعد می ماند که چرا صدوق این کار را کرده خب این جدا می کرد از همدیگر مثلاً که این اشتباه پیش نیاید همچو، این لم نعثر ندارد داخلش؟

س: تعارج را دارد که آنجا می گوید این آدب را

ج: نه بابا در باب حج است،

س: عبارت های پاورقی را می آورد

ج: عبارت پاورقی لم نعثر علی هذا النص

س:

۵۶: ۲۰

ج: حالا من نسخه خودم چیز کردم حتی نسخه فقیه هم باشد اشاره کردم نوشته آنجا لیکن روشن شد این مثالی که این مثالی را که ایشان نقل می کند ما نداریم این مطلبی که ایشان این لاتنافسوا مال سند دیگر متن این بوده ورداشته پشت سر این آورده دقت کردید، این جور را ما نداریم الآن ندیدم نه این که نداریم احتمال دارد داشته باشیم الآن من ندیدم اما این را داریم که صاحب وسائل این اشتباه مثل آن اشتباهی که دیشب خواندیم

س: یک جورای این نوع مدرج خودش تقطیع هم حساب می شود

ج: نه حدیث بوده حدیث مستقلى بوده،

س: حدیث مستقلى بوده،

ج: حالا اگر می خواهید دیگر امشب ایشان پیدا نکرد فردا، آن وقت ببینید ما بحث مان این است که مثلاً مباحث فهرستی ما قابل توسعه است مباحث حدیثی ما قابل توسعه است، مباحث رجالی ما قابل توسعه است، تراجم قابل توسعه است مباحث فهرستی

هم قابل توسعه است این‌ها را انشاءالله گذاشتیم با بحث آقای مختاری توضیحش را بدهیم و این مباحث این جور متن این مباحث متن مباحث ثانوی متن است مال ویراستاری به تعبیر من، الآن همین نسخه‌ای مصحفی که عثمان طه، این می‌دانید علاماتی که گذاشته غیر از علاماتی که اعراب هست مال قرائت است یک علاماتی را هم ایشان تازه گذاشته برای آداب تلاوت، مثلاً نون اخفاء می‌شود یا ادغام می‌شود این در نسخ دیگر نیست یعنی یکی از نکات این مصحف این است یک علاماتی برای تلاوت گذاشته که این نبود اصل اصلش که اصلاً نبود بعدش گذاشتند نقطه گذاشتند بعد از نقطه علامت گذاشتند بعد فصل و وصل گذاشتند ببینید هی اضافه کردند،

س: البته این نوع تنوین‌ها را اگر زیر هم زده باشد

ج: زیر ضم با فاصله اگر زده باشد این یک کاری است که ایشان به اصطلاح ایشان علامت زد برای تلاوت، که اگر می‌خواهیم تلاوت بکنیم این جور تلاوت بکنیم، دقت می‌کنید و این‌ها نکات ظریفی است انصافاً یعنی مهمش به نظر ما این است که این‌ها شرح داده بشود بیان بشود امروزه هم در مصادری که ما، مسائلی که داریم جهات مختلفی الآن در تخریج حدیث، تحقیق حدیث نکاتی که در حدیث مثلاً شذوذ پیدا کرد، انصافاً و حتی کیفیت چاپش کجا نقطه بگذارند کجا ویرگول بگذارند کجا در متن بنویسند، کجا در حاشیه بنویسند یک نکاتی فنی است که هی دارد اضافه می‌شود یعنی نکاتی را که مرحوم شهید در قرن دهم نوشته الآن هم زمان ما وجود دارد اضافه هم شده دقت می‌فرمایید، به نظر ما هرچه بتواند در ابراز متن، آن طور که گفت عجم الکتاب نور، هرچه بتواند نور باشد متن را بارزتر بکند که شواهد و ویراستاری بشود این هم توسعه پیدا بکند خیلی خوب است یعنی به عبارت اخیری این مطلب را که مثلاً اوزاعی بگوید اجماع الکتاب نور خیلی خوب اما این بیاید در کتب حدیث، یعنی بیاید در کتاب به اصطلاح المحدث الفاصل یعنی این کاری را که کار حدیثی نیست به متن بر نمی‌گردد اصلاً این به مرحله ویراستی و روشن شد متن تأثیر می‌کند و الا این در سماع حدیث عن رسول الله هیچ تأثیر ندارد حتی در خیلی از سماع‌های دیگر هم تأثیر ندارد، چون از استادش می‌شنود حالا اجماع باشد یا نباشد؟ اعراب باشد، مشکول باشد یا نباشد؟ آن می‌خواند برایش دیگر چون می‌خواند این ابهام‌ها از بین می‌رفت دقت می‌کنید لیکن از این‌که می‌گوید نور، آن وقت نکته‌اش هم این نیست این مطلب می‌آید در محدث فاصل یعنی می‌آید در یک کتابی که در باب حدیث است، دقت کنید آن آداب و ویراستاری چون تأثیرگذار است در ابراز متن، دقت کردید لذا این کاری که مثلاً شما و آقای مختاری این یک کار خوبی است می‌خواهم این را توضیح این هم اصلاً یعنی معلوم می‌شود که از همان صدر اول علماء این را جزو یعنی نور گرفتند برای کتاب، لازم نیست ما فقط متن حدیث را بنویسیم آنی که بتواند این متن را بارز بکند، آنی که بتواند این متن را خوب جلوه بدهد آنی که می‌تواند حدودش را، ثغورش و اختلافات، این نکته را هم فکر کردند انجام بدهند، و از آن مهم‌تر بعدها در کتب حدیث این را اضافه کردند با این‌که او خودش می‌داند این متن، ربطی به حدیث ندارد این‌جا به متن حدیث ربطی ندارد نه به سند حدیث ربطی دارد اما این، این اگر باشد اقتضاء می‌کند در زمان ما هر عملی را که منشأ این بشود که متن روشن‌تر بشود مصدر روشن‌تر بشود دقت می‌کنید کار واضح‌تر بشود این پی‌گیری بشود دقت کردید این امروز، امشب می‌خواستیم این را،

س: ضابطه کلی الآن در واقع شما بیان می‌کنید هر چیزی که می‌تواند وضوح بدهد به هر چیزی

ج: این آداب و یراستاری اعمال بشود دقت می کنید این هر راهی را که می توانیم نه مهم این است که اولاً آنها گفتند بعد هم در کتب حدیث آمد، دقت کردید در کتب درایه آمد، یک دفعه در کتب تاریخ می آمد در تاریخ این طور شد از زمان اوزاعی مثلاً گفت نقطه آمد گفت نقطه بگذارید این نور کتاب است اما این بعد می آید در کتاب محدث فاصل یعنی می آید در علوم حدیث دقت کنید، طبیعتاً اگر این نکته باشد در زمان ما اگر بخواهیم این را مراعات بکنیم خیلی دستمان بازتر است خیلی کارها فنی تر است و خیلی نکات بیشتری وجود دارد روشن شد،

س: الآن در خواندن حدیث مشکل

ج: مشکل پیدا می کنیم دقت کردید، خیلی روشن این نکته ای که من امشب هدفم، البته هدفم این بود که

س: مشکل ما مشکل بود،

ج: بله مشکل، نه حق با آن آقایی است که می گوید مشکل مطلقاً، مشکل یا لا مشکل یعنی آن حق، با آن اوزاعی،

۷: ۲: ۱

دور

س: نه الآن ویراش عذر می خواهم آنهایی که واضح باشند را اعمال

ج: نمی کنند نه، نمی کنند مگر بعضی از کتب مثلاً کلام امام را

س: اصلاً تشدیدها را نمی گذارند در

ج: نه مثلاً کلام امام را چرا؟ الآن بعضی از کتب دیدید دیگر آنجای که مال سند و راوی و این هاست نه، قلت لابی عبدالله نه، اما کلام امام وقتی می گوید قلت مثلاً سئلت عن کذا بعد که فقال آنجا را مشکول می کنند یعنی به احترام کلام امام مطلقاً مشکول می شود و احتمال هم دارد در سابق کتب مثلاً مخصوصاً حدیث کتب حدیث کم بوده این را یک متن مقدس می دانستند با متون مقدس معامله دیگری می کنند دقت می کنید این الآن مثلاً در زمن ما اگر این رسم شده باشد که متون مقدس را خوب بارزش می کنند مثلاً همین کتاب تفسیر علی ابن ابراهیم به نظر من یک بخشش مال علی ابن ابراهیم است یک بخشش تفسیرهای خودش نه روایت است یک بخشش مال روایاتی است که صاحب کتاب نقل می کند خودش نقل می کند که یک بخشش هم باز مال کتاب تفسیر ابی جارود است یک بخشی هم احتمالاً مابین کلام صاحب کتاب و مابین مثلاً تفسیر علی ابن ابراهیم، اگر این ها را با حروف مختلف چاپ بکند ارزش کنند ارزش کتاب خیلی روشن می شود، دقت کردید چه می خواهم بگویم، مثال هم بگذاریم برایتان شبهه تان، منشأ مثلاً آقای خویی یکجایی روایت مال خود ایشان است مال خود مؤلف کتاب مثلاً علی ابن حاتم روایت مال خود ایشان است دقت می کنید خودش حدثنی مثلاً ابوعلی بغدادی آقای خویی و دراشته ابوعلی بغدادی را جزو مشایخ علی ابن ابراهیم نوشته، خب این که اصلاً نزدیک سی سال آن آقا بعد از امام فوت کرده این اگر می شد دیگر این اشتباهات پیش می آمد عده ای از آقایون بعد از آقای خویی بعضی هایشان نه همه شان ملتفت شدند نوشتند نه، اینی که در کتاب آقای خویی آمده فلانی از مشایخ علی ابن، این غلط است این جزو روایاتی است که انفراد مؤلف کتاب به نقل این ربطی به علی ابن ابراهیم ندارد اما اگر دقت کردید چه می خواهم بگویم این را شما الآن بیابید جدا بکنید، آنجایی که روایات علی ابن ابراهیم، یک فوتنش بگذارند آنی که مال کلام خود یک جاهایش هم مردود، مردد است الآن من هم نمی توانم تشخیص بدهم یک جاهایش احادیثی است که

ایشان نقل کرده اصلاً ربطی به علی ابن ابراهیم ندارد همه اینها را آقای خوبی و زیاد هم هست همه اینها را آقای خوبی به عنوان علی ابن ابراهیم گرفته، با این که اصلاً علی ابن ابراهیم از آن نقل نمی کند اصلاً امکان ندارد از آن نقل بکند،
س: این دوتا کتابی ابوהלلی عسکری با کتاب جزائری که باهم چاپ شده بعضی ها سعی کردند اینها می
ج: این خود این چاپ دوتا نسخه با همدیگر این خیلی مؤثر است حتی من یک وقتی تصورم این بود که خیلی،
س: معجم

ج: بله دیدم چرا، به ذهنم رسید اگر مثلاً قرآن را با یک مقابلاتی در قرآن، در تورات بالخصوص دارد با انجیل خیلی کم است با تورات زیاد است اینها را یک جا چاپ بکنند آن آقا هم آمد یک شب این جا یک نفر آمریکایی بود استاد دانشگاه بودند که مثل یک کشیش بود خیلی هم هیکل داشت، آمدند عکس بگیریم ایشان کتاب قطوری هم نوشته مقابله بین قرآن و تورات آیات قرآن و انصافاً هم از من در قرآن مسلط تر بوده، یعنی کاملاً به قرآن مسلط بود، کتابش را هم به من داد، گفتم این جا بعد گرفت گفت نه آمدم فقط نگاه کنی، گفت آقا من که انگلیسی بلد نیستم، به هر حال این آقای قندهاری اینها بودند دو سه نفر دیگر هم بودند ترجمه می کردند به هر حال این کار بسیار خوبی است یعنی ما دنبال این باشیم که ویراستاری هم جزو، چون ویراستاری را هم جزء بحث سند قرار بدهیم؟ بحث درایه قرار بدهیم، به هر حال این را آوردند در درایه الحدیث و فهم حدیث و شناخت حدیث وارد کردند دقت کردید یعنی بیش از هزار و صد سال است این بحث را وارد کردند و الآن هم پیشرفت های خیلی خوبی شده طرح های بسیار زیبایی شده امکانات خیلی فراوان شد می شود یک کتاب را با پنج نوع حرف چاپ کرد با شش نوع حرف چاپ کرد این خیلی می تواند کمک بکند در متن حدیث و همینی که ایشان نوشته شهیدثانی این راه شهید ثانی برای جدا سازی متن دایره بگذارد، نقطه روی بگذارد هزار این کار،

س: خب این که توی بین شرح لمعه با متن لمعه این چاپ های همین اخیر بیست، سی سال این کار را کردند فونت متن اصلی را غلیظ تر کردند

ج: آن چاپ نجف یکی است که

س: نه در آن

ج: آن چاپ آقای کلانتر این طور نیست، می گویم بعد

س: کلانتر یکی است در پرائتز است، بین پرائتز قرار داده ولی

ج: این را اگر بشود یعنی این نکته را آن وقت این در این کتاب های مثل همین کتاب علی ابن ابراهیم خیلی تأثیرگذار است چون این چند جور است کتاب، چند جور است این خیلی تأثیرگذار است
س: برای هم دیگران

ج: برای فهم کتاب، و این فرض کنیم مثلاً البته این را توضیح بده که این کتاب اصولاً تفسیر به نام علی ابن ابراهیم داشتیم حالا یک مختصر هم می گویند داشته جای خودش آن بحثی، لیکن این کتاب از قرن نهم همین کتاب موجود به اسم تفسیر علی ابن ابراهیم جا افتاد، حسن ابن سلیمان یعنی دقیقاً بنویسد حسن ابن سلیمان ازش نقل می کند به عنوان علی ابن ابراهیم این اشتباه می آید در بحار این اشتباه می آید در وسائل همه نقل می کنند مراد علی ابن ابراهیم،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۲۰۲۳/۰۸/۰۷ - ۱۴۰۲/۰۵/۱۶

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۳

جلسه: ۵۶

س: چون مسلم شده دیگر

ج: دقت کردید این اشتباه می‌آید در جال آن وقت شما با یک چاپ هیچ کاری نکردید نمی‌خواهید یکی یکی توضیح بدهید با یک چاپ می‌توانید می‌خواستم امشب این را بگویم یعنی یکی از کارهای که می‌تواند الآن تأثیرگذار باشد این کاری را یعنی این‌ها با هوشی، هوشی قشنگی به کار بردند یعنی نکات ویراستاری را هم آوردند در علم الحدیث،

س: بله

ج: نکته را می‌خواستم روشن شد

س: بله بله خیلی

ج: آن کتاب فرض کن آداب المفید و المستفید است آداب کتابت است، اما این علم الحدیث است همین که شما نقطه بگذارید یا اعراب بگذارید این خودش تأثیر دارد، کل کتاب اعراب بگذاریم مشکلات اعراب بگذاریم الاعجام نور الکتاب که اعجام الکتاب و واقعاً هم یعنی این تفکر که ما بتوانیم متن را سالم و روشن و بارز تحویل بدهیم این، این الآن اصول ویراستاری خیلی در این جهت تأثیر دارد و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین دیگر خسته شدم، امشب هم بد نشد اجمالاً الحمدلله.